



فرهنگ اسلامی و خاورشناسی (۲)

بسام داود عجبک
ترجمه عباسعلی براتی

تا باردیگر این افکار به صحنه آیند... در حالی که اینان غزالی و متنبی و ابن خلدون را به سختی آماج حملات خویش می سازند.^۱

سخنان استاد جندی بروشنی، توجه خاورشناسان را به گونه های خاصی از میراث اسلامی نشان می دهد و این ما را وامی دارد که بار دیگر به آن دسته از آثار اسلامی که مستشرقان احیا کرده اند و گرایش می کنند که در تحقیقات و انتشارات خود داشته اند، نظری بیفکنیم.

هر امتی دو دسته میراث دارد: یک دسته از آنها، که همواره در پی نشر و ترویج آنهاست، و می خواهد آن را به همه جهانیان بنماید، و راضی نیست که غیر از آن، مشهور شود، و بیشتر در پی آن است که این دسته را به فرزندان خویش بیاموزد و شخصیت آنها را بر پایه آن شکل دهد تا به میراث و گذشته خود افتخار کنند، این بخش را می توان بخش مثبت و درخشان میراث و صفحات عظمت و قهرمانی و شرف، و جایگاه علم و عمل و نشانه های اخلاق و تمدن دانست.

دسته دوم، به عکس دسته اول، آنهاست که امت در پی آن است که کمتر منتشر شود و مردم از آن فاصله بگیرند و از آن

آیا خاورشناسان به نوع خاصی از میراث فرهنگی اسلام علاقه دارند؟

این مسأله واقعاً مهم است و مطرح کردن آن، سوالات فراوان دیگری درباره تحقیقات خاورشناسان در این زمینه برخواهد انگیخت. بررسی کارهای خاورشناسان و گرایشهای آنان در حین تحقیق و بررسی آنچه اینان چاپ و نشر و تحقیق کرده اند، محقق را در برابر یک نتیجه واضح قرار می دهد، و آن اینک: خاورشناسان به بخش خاصی از این میراث اسلامی بیشتر علاقه نشان داده اند.

استاد انور الجندی از نخستین کسانی بود که این مسأله را تذکر داد و نوشت:

«خاورشناسی به میراث عربی اسلامی توجه داشته، ولی بیشتر توجه آن معطوف به نوع خاصی از میراث بوده است. توجه به میراث حلاج و سهروردی و ابن عربی و ابونواس و بشار و ابن راوندی و رازی و دیگران، نشانی از تهاجم فرهنگی و جستجوی جوانب ناستوار و شبهه برانگیز این میراث، آشکار ساختن آن و توجه به آن، برای زنده ساختن افکاری است که فراموش شده و بزرگان اسلام نادرستی آن را آشکار ساخته اند،

الف) نسخ خطی که از نوشته های معتزله تحقیق شده است:^۲

البحر الزخار لمذهب علماء الامصار ، نوشته ابن المرتضی معتزلی . طبقات المعتزلة ، نوشته ابن المرتضی معتزلی . الرد علی النصارى ، نوشته جاحظ . الانتصار ، نوشته خیاط معتزلی . الرد علی الزندیق الملعون ، نوشته قاسم زیدی . الرسالة ، نوشته قیروانی . المجموع فی المحيط بالتکلیف ، نوشته عبدالجبار معتزلی . المسائل فی الخلاف بین البصریین و البغدادیین فی الکلام فی الجوهر ، نوشته نیشابوری . خطب فی التوحید و العدل ، نوشته واصل بن عطا . اخبار عمرو بن باب المعتزلی ، نوشته دارقطنی .

ب) نسخ خطی که درباره اشاعره تحقیق کرده اند:^۳
تبیین کذب المفتری فیما نسب لی الامام الأشعری ، نوشته ابن عساکر . التبصیر فی الدین و تمیز الفرقة الناجية عن فرق الهالکین ، نوشته اسفراینی . مقالات الاسلامیین ، نوشته اشعری . اللمع فی الرد علی اهل الزيغ و البدع . رسالة فی استحسان الخوض فی علم الکلام . المواقف فی علم التوحید ، نوشته ایجی . التمهید فی الرد علی الملاحدة المعطلة و الرافضة و الخوارج و المعتزلة ، نوشته باقلانی . و نظایر اینها . السیان عن الفرق و المعجزات ، نوشته باقلانی . الارشاد إلی قواطع الأدلة فی اصول الاعتقاد ، نوشته جوینی . الشامل فی اصول الدین ، نوشته جوینی . نهاية الاقدام فی علم الکلام ، نوشته شهرستانی . التنبيه فی الرد علی اهل البدع و الاهواء [نوشته ملطی] . مرهم العلیل المعضلة فی دفع الشبه و الرد علی المعتزلة ، نوشته یافعی .

ج) نسخ خطی ما تریدیه ، که تحقیق کرده اند:^۴
السیرة الفلسفیه ، نوشته رازی .

د) نسخ خطی سلفیه که تحقیق کرده اند:^۵
الشرح و الإبانة عن اصول السنة و الدیانة ، نوشته ابن بطة عکبری . الذیل علی طبقات الحنابلة ، نوشته ابن رجب . الرد علی الجهمیه ، نوشته دارمی . اخبار عمرو بن عبید ، نوشته دارقطنی .

آنچه خاورشناسان غیر آلمانی تحقیق کرده اند نیز فراوان است و نمونه هایی از آن می آید:

الرسالة الصغری ، نوشته ابن عباد رندی .^۶ المسائل ، نوشته خراز .^۶ مثلی الطريقة فی ذم الرئیقة ، نوشته ابن الخطیب .^۶

چیزی فرانگیرند ، جز اندکی که بتوانند از آن بهره برند . و امت دیگر راضی نیست که به آن وضع برگردد ، مگر برای پند گرفتن از اشتباهات گذشته و اصلاح مسیر در حال و آینده . این ، بخش تاریک و منفی میراث و صفحات عقب ماندگی و انحطاط آن است .

میراث فرهنگی اسلام ، میراث امتی است که دیرزمانی سررشته علم و عمل و تمدن و پیشرفت را در جهان به دست داشته ، و زیباترین نمونه های تمدن بشری را به جهان تقدیم کرده است و بر پایه های همین نمونه هاست که جهان کنونی تمدن خویش را پی ریزی نموده و به پیشرفتهای علمی و تکنیکی دست یافته است . این میراث ، دارای صفحات درخشانی است ، در مقابل به دلیل اشتباهات فرزندان این امت ، و عقبگرد آنان ، صفحات سیاهی نیز دارد .

خاورشناسان بیشتر بر دسته دوم از میراث تکیه داشته اند ، که هر امتی نیز از این گونه میراثها دارد ، این گونه میراث که آنان تحقیق کرده اند ، اعتماد فرزندان این امت را به تاریخ و تمدن و عظمت گذشته خویش از میان می برد ، و در دل آنها ناامیدی و سستی و افسردگی پدید می آورد و آنان را وامی دارد تا از شر این میراث خود را رها کنند و از این تاریخ بیزار شوند و این خود ، سرآغاز نابودی امت اسلامی است .

این سخن هنگامی روشتر می شود که ، تحقیق خاورشناسان درباره جنبه های منفی از میراث اسلامی را بررسی کنیم . جنبه منفی میراث اسلامی را به چند گونه می توان تقسیم کرد :

نخست : اختلافات مذهبی و کشمکشهای فرقه ای و مکاتب عقیدتی . دوم : تصوف انحرافی (که همان بخش منفی تفسیر نادرست عبادت در تاریخ مسلمانان است . سوم : فلسفه انحرافی (که همان بخش منفی تفسیر نادرست اندیشه در تاریخ مسلمین است . چهارم : ادبیات انحرافی (که همان بخش منفی تفسیر نادرست ادبیات و هنر و تاریخ در تاریخ مسلمانان است) .

خاورشناسان ، بخشهای منفی میراث ما را تحقیق و منتشر کرده اند که مثالهای آن فراوان است از جمله :

نمونه هایی از تحقیقات خاورشناسان درباره بخشهای منفی اختلافات مذهبی ، فرقه ای ، عقیدتی و کلامی است . مکتب خاورشناسی آلمان در این زمینه پیشگام است ، و به همین جهت پیش از همه به تحقیقات این مکتب می پردازیم :

الغواصين^{۳۸}. خير المعجاج^{۳۸}. الرقيان^{۳۸}. الفخرى فى الآداب السلطانية^{۳۸}. حكاية البغدادى^{۳۸}. كتاب الحكايات العجيبة^{۳۸}. ديوان ابى نواس^{۳۸}. عيون الاخبار^{۳۹}. كنز الدرر و جامع الغرر^{۳۹}. البديع، نوشته ابن المعتز^{۴۰}. سيرة عترة^{۴۱}. شعر الرجل^{۴۲}. ديوان حازم القرطاجنى^{۴۳}. اشعار ابن زيدون^{۴۴}. اغانى مهيار^{۴۴}. مفاكهة الظرفاء^{۴۵}

شماری از کتابهای فقهی که مورد تحقیق و نشر قرار گرفته اند نیز به متزلزل کردن مذاهب فقهی و شک در شیوه کار و احکام صادره آنها می انجامد، مانند:

الحیل و المخارج، نوشته حضاف^{۴۶}. الحیل فى الفقه، نوشته قزوینی^{۴۶}. اختلاف الفقهاء^{۴۷}. کتابهایی نیز هستند که به برخی از زمینه های مسیحیت مربوط می شوند، مانند:

رسالة راهب من فرنسا الى المقتدر بالله^{۴۸}. استشهاد النصرانى فى نجران^{۴۹}. السبعة النائمون فى الكهف^{۴۹}. احكام العتيقة (کتاب مقدس)^{۵۰}. القلائد الدرية من الاربعة اناجيل السرية^{۵۱}. الكتاب المقدس للصغار^{۵۲}. قطف الازهار من مروج الاخبار^{۵۲}. (زندگینامه مقدسین)^{۵۲}. موعظة عيد الميلاد (نوشته یک سر اسقف مسیحی)^{۵۳}.

ولى در آماری که دکتر ريب ارائه کرده، می بینیم که این کارها بیشتر در چهار محور بوده است. اختلافات، تصوف، فلسفه، ادبیات. از ۹۳ نسخه خطی تحقیق خاورشناسان، تنها ۴۹ نسخه را در برمی گیرد که از نظر درصد ۵۲/۶٪ است، این از نظر کتاب (معجم المخطوطات المطبوعة).

و اما در کتاب ذخائر التراث، شماری که در زمینه این چهارگرایش ذکر شده ۱۶ نسخه خطی است که از میان مجموع ۳۲ نسخه نسبت ۵۰٪ را به خود اختصاص می دهد.

برای اینکه روشنتر بتوان در این باره قضاوت کرد که خاورشناسان بیشتر در پی چاپ نشر این میراث بوده اند تا آن را به دست ما بدهند و به سراسر جهان بفرستند و در نتیجه چهره تمدن اسلامی را زشت جلوه دهند، هر محققى باید از خود بپرسد که چرا خاورشناسان نوع دیگری از میراث اسلامی را تحقیق و منتشر نساخته اند؟!

نوع دیگری از این میراث درخشان که در اختیار امت اسلامی است و جنبه مثبت آن را می نمایاند و در سراسر جهان هم می توان به آن دست یافت و در همه کتابخانه های جهان،

الائمة المستورون، نوشته مهدى^۶. الشافية، نوشته ابن فراس اسماعیلی^۶. الهفت و الاظله، نوشته مفضل جعفر اسماعیلی^۶. العقائد النسفية^۷. فرق الشيعة^۸. ردّ الدرر على هجوم النصيرية^۹. التفسير الاسماعيلي^{۱۰}. الانتصار و الردّ على ابن الراوندى^{۱۱}. المستظهرى فى الردّ على الباطنية^{۱۲}. الزمرد، نوشته ابن الراوندى^{۱۳}. تاج العقائد و معدن الفوائد، نوشته اسماعیلی^{۱۴}. الايضاح، نوشته راعى اسماعیلی^{۱۵}. تنقيح الابحاث للملئى الثلاث، نوشته ابن كمونه^{۱۶}. مثالب على بن ابي بشير الاشعري، نوشته اهوازی^{۱۶}. رسالة فى الحكمين، نوشته جاحظ^{۱۶}.

دوم: نمونه هایی از آنچه خاورشناسان در زمینه تصوف تحقیق کرده اند:

اخبار الحلاج^{۱۷}. الطواسين، نوشته حلاج^{۱۷}. البلغة فى الحكمة، نوشته ابن عربى^{۱۷}. طبقات الصوفية، نوشته سلمى^{۱۷}. التشوف إلى رجال التصوف، نوشته ابن زيات^{۱۸}. الخلوة و التقل فى العبادة، نوشته حادث محاسبى^{۱۸}. ذم الدنيا، نوشته ابن ابى الدنيا^{۱۸}. المنتقى من كتاب الرهبان^{۱۸}. رسائل الجنيد، نوشته جنيد بغدادى^{۱۸}. المواقف و المخاطبات^{۱۹}. شعر جلال الرومى الصوفى^{۲۰}. كشف المحجوب^{۲۱}. عبهر العاشقين^{۲۱}. ترجمان الاشواق، نوشته ابن عربى^{۲۲}. تذكرة الاولياء، نوشته عطار^{۲۲}. اللمع^{۲۳}. كرامات الیحانسی^{۲۴}. الطيرر بشرح السهروردى^{۲۵}. التحفة النابلسية فى الرحلة الطرابلسية^{۲۶}.

سوم: نمونه هایی از آنچه خاورشناسان در رشته فلسفه تحقیق کرده اند:

الديا سطورون، نوشته تتيانس يونانى^{۲۷}. الاخلاق والانفعالات النفسية^{۲۷}. عيون الحكمة^{۲۷}. تعبير الرؤيا، نوشته ارتاميدوس^{۲۸}. الآثار العلوية، نوشته ارسطو^{۲۸}. تاريخ الحكماء^{۲۹}. غاية الحكيم^{۲۹}. رسالة الارزاق^{۲۹}. كتاب باتانجل^{۲۹}. سر الاسرار، نوشته رازى^{۳۰}. حى بن يقظان^{۳۱}. تهافت التهافت^{۳۲}.

چهارم: نمونه هایی از آنچه مستشرقان در زمینه کلی ادبیات تحقیق کرده اند:

الف ليلة و ليلة^{۳۳}. الاغانى، نوشته ابوالفرج اصفهانی^{۳۴}. آداب الصحبة و حسن العشرة^{۳۵}. رسالة التريبع و التدوير^{۳۶}. المفاخرة بين الجوارى و الغلمان^{۳۷}. مقامات حريرى^{۳۸}. درة

- اخلاق حملة القرآن، نوشته ابوبکر آجری (م ۳۶۰هـ) در برلن. ۶۳
- تفسیر القرآن، نوشته ابی لیث سمرقندی (م ۳۷۳هـ) در برلن، مونیخ، لیدن، موزه بریتانیا، چستریتی. ۶۴
- کتاب الوقف، نوشته ابوالعباس انصاری، موزه بریتانیا. ۶۵
- قصيدة فی تجوید او فی حسن اداء القرآن، نوشته ابومزاحم بن خاقان، متشکل از ۵۱۱ بیت، واتیکان، برلن. ۶۶
- والتنبیه علی اللحن الجلی و اللحن الخفی، نوشته ابی الحسن السعیدی، برتزل، گاریت، پروس. ۶۷
- دوم: نمونه‌هایی از نسخ خطی در زمینه علوم حدیث و اصطلاحات آن.
- صحيفة خراش، نوشته انس بن مالک، یکی از کهنترین کتب حدیث، برلن. ۶۸
- المسند الکبیر، نوشته محمد بن بصر الکسی (م ۲۴۹هـ) برلن. ۶۹
- شرح ابن بطال، نوشته بخاری، (م ۴۴۹هـ) کتابخانه آمریکایی گاریت. ۷۰
- شرح مشکل النجاری، نوشته ابن دبیشی (م ۶۳۷هـ) لایپزیگ. ۷۱
- کتاب الجزء، نوشته حسن بن عرفه بغدادی (م ۲۵۷هـ) چستریتی. ۷۲
- الفوائد الدراری، نوشته اسماعیل عجلونی (م ۱۱۶۲هـ). ۷۳
- اشرف الوسائل، شرح سنن ترمذی، نوشته ابن حجر هیثمی (م ۹۷۳هـ) موزه بریتانیا، کمبریج، منچستر. ۷۴
- المعجم - فهرست رجال، نوشته حافظ ابویعلی (م ۲۱۰هـ) چستریتی. ۷۵
- معجم الصحابه، نوشته ابوالقاسم بغوی (م ۳۱۷هـ) شیکاگو، انستیتو شرقی. ۷۶
- الجرح والتعديل، نوشته ابن ابی حاتم، (م ۳۲۷هـ) پاریس. ۷۷
- اربعون حدیثاً، روایت ابوبکر آجری (م ۳۶۰هـ) بریل، لندنبرگ، واتیکان، برلن. ۷۸
- فرض طلب العلم، نوشته ابوبکر آجری، برلن. ۷۹
- کتاب الاوائل، نوشته طبرانی (م ۳۶۰هـ) موزه بریتانیا. ۸۰
- الکامل فی الجرح والتعديل، نوشته ابن قطان (م ۳۸۵هـ)

خواه اسلامی، و خواه غربی و یا دیگر نقاط موجود است. مثلاً کتابهای تفسیری گوناگونی که هم اینک در برابر محققان و علمای مسلمان و غیر مسلمان قرار دارد و تنها علمای مسلمان به نشر آن پرداخته‌اند. همچنین کتابهای حدیث و علوم آن، فقه مذاهب گوناگون، کتابهای اخلاق، و تربیت اسوه‌های حسنه که تنها علمای اسلام آن را تحقیق کرده‌اند، و کتابهای دیگری که جنبه مثبت تمدن اسلامی را نمایش می‌دهد. البته کتابهای اندکی در زمینه ادبیات عرب و تاریخ و بیوگرافی وجود دارد که مستشرقین تحقیق کرده‌اند تا از راه آنها بتوانند به مطالعه تاریخ و تمدن ما پردازند و در مطالعات و تحقیقات خویش زهرهای خطرناک خود را پیاشند.

این سؤال و سؤالی که مطرح شد، با توجه به برخی از نسخ خطی در علوم و جنبه‌های مثبت میراث بسیار به جا به نظر می‌رسد، این نسخه‌های خطی در نزد خود خاورشناسان و در کتابخانه‌های غربی به میزان بسیار زیاد وجود دارد، ولی هرگز خاورشناسی به سراغ آنها نرفته و روی آنها درنگ و تأمل نکرده و آنها را روشن نساخته است. اینک نمونه‌هایی از این نسخه‌ها که در کتابخانه‌های غرب وجود دارد:

- نخست: برخی از نسخه‌های خطی در زمینه علوم قرآن و تفسیر و قرائات.
- فی علوم القرآن، نوشته ابوالقاسم کافی در کتابخانه لیدن - واسکوریان. ۵۴
- تفسیر محمد بن سائب الکلبی، در چستریتی - ایرلند. ۵۵
- تفسیر پانصد آیه عن الاوامر و النواهی، نوشته مقاتل بن سلیمان الازدی (م ۱۵۰هـ) در موزه بریتانیا. ۵۶
- تفسیر الثقفی الصناعی (م ۲۲۹هـ) در امبروزیان - ایتالیا. ۵۷
- تفسیر ابی محمد العسکری (م ۲۶۰هـ) در موزه بریتانیا. ۵۸
- الواضح فی تفسیر القرآن، نوشته ابومحمد دینوری (م ۳۰۸هـ) در لیدن. ۵۹
- التیان فی تفسیر القرآن، نوشته ابوبکر سجستانی (م ۳۳۰هـ) برلن، هامبورگ، گوت، اسکوریان، واتیکان. ۶۰
- شفاء الصدور المهذب فی تفسیر القرآن، نوشته ابوبکر نقاش (م ۳۵۱هـ). در موزه بریتانیا. ۶۱
- مختصر تفسیر یحیی بن سلام، نوشته ابن ابی زینین المرئی (م ۳۹۹هـ) در موزه بریتانیا. ۶۲

شرح مسند الشافعی، نوشته مبارک بن الاثیر (۶۰۶هـ) پاریس، چستریتی. ۹۹

ثلاثیات عبدالله بن احمد بن حنبل علی المسند (۳۹۰م) چستریتی. ۱۰۰

الجوامع نوشته خلال بغدادی (۳۱۱هـ) موزه بریتانیا. ۱۰۱
العقیده السلفیة السنیة، نوشته ابوبکر (۳۷۸هـ) برلن، گوته. ۱۰۲

تهذیب الاجوبه، نوشته ابن حامد (۴۰۳هـ) برلن. ۱۰۳
الحديث، نوشته ابویوب عباداتی (۳۴۷هـ) چستریتی. ۱۰۴

اینها نمونه های کتابهای گوناگونی بودند که در کتابخانه های غرب وجود دارد، و سزاوار تحقیق و نشر است و هرگز با مخطوطاتی که تحقیق شده و به بخش منفی میراث تعلق دارد، قابل مقایسه نیست. پیش از این نمونه های آن بخش منفی هم نشان داده شد.

نظریات محققین خاورزمین درباره توجّه خاورشناسان به میراث اسلام

با بررسی نظریات محققین شرقی درباره این مسأله، درمی یابیم که اینان در برابر غریبها دچار خودباختگی شده و خاورشناسان را پیامبران تمدن و چراغ راه پیشرفت و شکوفایی پنداشته اند و در برابر هر چه از غرب برآید، دستخوش موجی از شگفتی و تحسین شدند و به تشویق و استقبال از همه کارهای اینان پرداختند. برخی از این محققان، چنان سخن می گویند که انسان فکر می کند علمای مسلمان کمترین تلاشی درباره تحقیق نشر میراث اسلامی نکرده اند و کوچکترین فضیلتی در این زمینه ندارند. زیرا این عبارات تنها فضل و امتیاز این را به خاورشناسان نسبت می دهد و مثلاً می نویسد: «خاورشناسان، هزاران نسخه خطی عربی را تحقیق کرده اند» و یا دیگری آورده است. (میراث ما را برای ما حفظ کردند و اگر آنان نبودند تمدن و تاریخ ما از میان می رفت).

البته تعداد اندکی از محققان شرفی نیز حق وانصاف را در نظر گرفته اند و حق خاورشناسان را پایمال نکرده اند، ولی این همه فضیلت و افتخاری بی حساب نیز به آنها نسبت نداده اند.

همه اینها ما را بر آن می دارد که نظریات هر دو دسته را درباره این مسأله بیاوریم:

موزه بریتانیا. ۸۱

کتاب الامثال الخاصّة بالنبی - ص -، نوشته ابی الشیخ اصفهانی (۳۶۹م) امروزیانا. ۸۲

تاریخ مولد العلماء و وفیاتهم، نوشته ابوسلیمان الربعی (۳۷۸هـ) موزه بریتانیا. ۸۳

الفوائد المتتقاة، نوشته ابن اُخیمی (۳۹۰م) چستریتی. ۸۴

امالی فی الحدیث، نوشته ابی عبدالله ضبی (۳۹۸م) لیدن. ۸۵

مختصر فی الحدیث، نوشته حاکم نیشابوری (۴۰۴م) چستریتی. ۸۶

سوم: نمونه هایی از مخطوطات در زمینه فقه و مذاهب گوناگون فقهی

شرح الفقه الاکبر، نوشته ابوحنیفه، به قلم علی بن مراد عمری (۱۱۴۷هـ) موزه بریتانیا. ۸۷

سبعیات الفقه الاکبر، نوشته ابی الطیب طرسوسی، پاریس. ۸۸

وصیة ابی حنیفة لابنه حماد، نوشته ابوحنیفه نعمان (۱۵۰م) برلن، پترزبورگ، موزه بریتانیا. ۸۹

کتاب ادب القاضی، نوشته ابی بکر خصّاف (۲۶۱هـ) برلن، لیدن. ۹۰

الکافی فی الفقه، نوشته ابوالفضل مروزی، (۳۳۴هـ) برلن، چستریتی. ۹۱

السراج الرواح، نوشته رشیدالدین شبلی (۷۶۹هـ) برلن. ۹۲

تقویم الادلّة فی اصول الفقه، نوشته ابوزید دبوسی (۴۳۰هـ) چستریتی. ۹۳

تحریر المبانی و تحریر الامانی، نوشته ابوالحسن شاذلی (۹۳۹هـ) پاریس. ۹۴

تویر المقالة بحلّ الفاظ الرسالة، نوشته تنانی (۹۴۵هـ) مونیخ. ۹۵

تفریح الفقه المالکی، نوشته ابن الجلاب (۳۷۸هـ) موزه بریتانیا، مادرید، برلن. ۹۶

شرح مختصر المزنی، نوشته ابومنصور ازهری (۳۰۷هـ) برلن، موزه بریتانیا. ۹۷

المقتع فی الفقه، نوشته ابن المحاملی (۲۱۵هـ) برلن. ۹۸

و می نویسد: «زیرا من می دانم که کار تحقیق متون، یک کار غربی نوظهور نیست، بلکه یک فن عربی باستانی است، که اصول آن را گذشتگان عرب ما نهاده اند، و از آغاز نشر علم و روایت آن، به همین کار مشغول بوده اند.»^{۱۱۳}

و می نویسد: «فهرستها سابقه کهنی نزد عرب دارد و کتابهای رجال، تراجم، نام شهرها و کشورها و فرهنگهای لغت، بر این منوال نوشته می شود، ولی برادران خاورشناس ما افتخار گسترش دادن این فهرستها و دسته بندی جدید آنها را دارند.»^{۱۱۴}

دکتر صادق فریانی: «موج شیفتگی در برابر کارهای خاورشناسان تمام شرق را فراگرفته و این موج به تحقیق کتب میراث در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم مربوط می شود. این دورانی است که مسلمانان دچار ضعف و ناتوانی، رکود و پراکندگی و بریدگی از یکدیگر شده اند و این مصیبت چهار قرن گذشته تاریخ ماست.»^{۱۱۵}

درباره روش شناسی می آورد: «ولی تهیه و تنظیم این متون به وسیله آنها تنها عبارت بود از چاپ این متون، بدون تحقیق، و اطمینان از مقابله آنها با اصل.»^{۱۱۶}

و نیز می نویسد: «هرکار تحقیقی که خاورشناسان کرده اند، یک کار خوب نیست بلکه بد و خوب در کارهای آنها با هم دیده می شود.»^{۱۱۷}

سپس نظر خود را صریحاً بازگو می کند: «حق آن است که بگوییم، افتخاری که نصیب خاورشناسان شده این است که مسلمانان را به اهمیت تنظیم و عرضه کتابهایشان واقف ساختند، مسلمانان پیش از آن از این امر غافل بودند.»^{۱۱۷}

دکتر عبدالعظیم الدیب: «حجم کار خاورشناسان در زمینه میراث فرهنگی و تحقیق آن، قابل ذکر نیست.»^{۱۱۸}

و می نویسد: «توجه آنها به میراث ما، همیشه چه در گذشته و چه در زمان حال و آینده از باب (دشمنت را بشناس) است. این کتابها (میراث)، نقشه ها و نمودارهایی هستند که اندیشه و عواطف و احساسات و گرایشهای ما را نشان می دهند... و کلیدهایی هستند که به وسیله آنها می توان برای نابودی ما برنامه ریزی کرد.»^{۱۱۹}

و می نویسد: «شگفت انگیزتر از همه اینکه امتی چون ما، از دزدان اسناد خویش تشکر و تجلیل کند، تنها به خاطر آنکه آنان آن را نگه داشته اند و یاعکس و تصویری از آن به ما نشان

عبدالغنی حسن، در کتاب علم التاریخ عندالعرب می نویسد: «تلاشهای خاورشناسان مورخ در زمینه انتقال کتابهای عربی اسلامی و نشر آنها به صورت علمی، همراه با فهرستهای دقیق، بر کسی پوشیده نیست، تحقیق و نشر این کتابها گویای تلاشی فراوان، و پایداری در کار و ذقت در فهرست نویسی است.»^{۱۰۵}

محمدامین حسونه می نویسد: «یادگارهای تمدن و قیامهای مسلمانان را زنده نگه داشتند و اگر آنان به این کار نمی پرداختند و همت بدان نمی گماردند، اینها نابود می شد. آنان هزاران کتاب عربی یا غیر عربی را از گور به در آوردند و منتشر ساختند.»^{۱۰۶}

نجیب العقیقی: «خاورشناسان میراث ما را کشف کردند و به گردآوری و حفاظت و تصحیح و فهرستنگاری آن پرداختند و نگذاشتند در میان چهاردیواری کتابخانه ها و موزه ها و انجمنها از میان برود.»^{۱۰۷}

محمد کردعلی: «ما و امدار خاورشناسان هستیم.» آنان بر ما منت نهادند و کتابهای ما را منتشر ساختند، خدا به آنان به خاطر خدمت به تمدن و آداب ما، اجر و پاداش دهد.»^{۱۰۸}

صلاح الدین المنجد: «آنان پیشکسوت نشر میراث عربی از قرن گذشته هستند. نخست آنان بودند که ما را متوجه کتابهای کمیاب خطی خویش ساختند و متونی را در برابر ما نهادند که اگر آنها نبودند ما آنها را نمی شناختیم.»^{۱۰۹}

احمد اسمایلوویچ: «خاورشناسان با توجه خویش به این میراث، افتخار می کنند که با تلاشهای خارق العاده خویش بدین کار همت گماردند.»^{۱۱۰}

عبدالسلام هارون: سپاس صمیمانه خویش را به اینان (خاورشناسان) تقدیم می دارم که احساس عزت و افتخار را در ما زنده کردند و ما را متوجه آن ساختند که چشم بر روی این گنجینه های تازه یافته و در حال کشف بگشاییم.»^{۱۱۱}

و می گوید: «خاورشناسان، برادران و همکاران ما در این کار [تحقیق میراث فرهنگی] هستند، ولی عقل و عزت به ما اجازه نمی دهد که ما در همه زمینه های فرهنگی دنباله رو آنها باشیم و هر چیز خرد و کوچک از عقل آنان کمک بگیریم، در حالی که خدا به ما توانایی و درک و فهم داده که آنچه را که به زبان خودمان نوشته شده و بر مردم عرب زبان الهام شده، مورد مطالعه قرار دهیم.»^{۱۱۲}

القاموس المحيط، الانساب نوشته سمعانی، الکفایة، الجرح و التعديل، و کتابهای دیگر.

دانشمندان با درایت و با کفایتی به این کار اشتغال داشتند که در کار تحقیق با سابقه و با تجربه بودند و دقت و استواری کار آنها مورد تأیید همگان بود، و تنها در این کار اخلاص را در نظر می‌گرفتند و حتی گاه برخی از آنها کتاب بزرگی را تحقیق می‌کرد ولی نام خود را بر آن نمی‌نهاد. مانند ابوالحسن امروهی مولوی، احمدالله ندوی، مولوی طه، هاشم ندوی و دیگران. ۱۲۱

درباره نهضت احیای کتب در مصر می‌نویسد که چاپخانه بولاق از سال ۱۸۲۱م به کار چاپ و تحقیق کتابها پرداخت و شمار بسیاری از علما در کار تحقیق و نشر دست داشتند و این کار با پیگیری و دقت دنبال می‌شد و کتابهای مرجع در میراث فرهنگی اسلام به این وسیله منتشر شدند. مانند: صحیح بخاری، صحاح، لسان العرب، التفسیر الکبیر، فتح الباری، المخصص، و کتب فراوان دیگر.

مشهورترین علمای قرن نوزدهم در این زمینه شیخ نصر هورینی و شیخ محمد ترکی، شنفیطی، و شیخ محمدحسینی و شیخ قطه عدوی، و شیخ طه محمود، و شیخ عبدالغنی محمود، و شیخ محمدعبدالرسول و دیگران هستند. شیخ محمد عبده این کارها را سرپرستی می‌کرد. ۱۲۲ آنها کار خود را تصحیح و نشر می‌نمیدند، با آنکه کار دقیقی بود.

پس از آن در قرن بیستم، نسل جدیدی پدید آمد که پیشگام آنان احمد زکی و ارکان آن محب الدین الخطیب، محمود شاکر، مصطفی السقا، احمد شاکر، ابراهیم الابیاری، ابوالفضل ابراهیم، احمد تیمور، و عبدالسلام هارون بودند. ۱۲۳

اینان محققان برجسته‌ای بودند که کار آنان به دقت و امانت فراوان مشهور است و هر یک از آنها بیش از ده کتاب مهم، از میراث فرهنگی اسلامی را تحقیق کرده‌اند که مایه افتخار امت اسلامی است.

از نمونه های کتابهایی که عبدالسلام هارون تحقیق و منتشر ساخته، کتابهای زیر را می‌توان نام برد. ۱۲۴

سیره ابن هشام، الحيوان جاحظ، البيان والتبيين جاحظ، العثمانية جاحظ، رسائل جاحظ، مقایس اللغة ابن فارس، مجالس ثعلب، شرح الحماسة نوشته مرزوقی، همزیات ابی

اینها نمونه‌هایی بود از نظریات محققان شرقی درباره این مساله، که ما به ناچار آنها را دنبال می‌کنیم و درست و نادرست را بازمی‌نماییم.

این یک تعمیم نادرست است که ما احیای میراث فرهنگی اسلام را به خاورشناسان نسبت دهیم و بگوییم که آنها میراث ما را برای ما حفظ کرده‌اند و نگذاشته‌اند که از میان برود و علم تحقیق متون را پدید آورده‌اند و به آن توجه دارند و پیش از هر کس به فهرستنگاری نسخ خطی و تنظیم آنها دست زده‌اند و مسلمانان در این باره کاری نکرده‌اند، جز آنکه از غرب تقلید و اقتباس کرده‌اند.

بنابه تحقیق انجام شده در این بحث می‌خواهم نظر دکتر صادق فریانی را برگزینم که می‌نویسد: «موجی از اعجاب و شگفتی، شرق اسلامی را در برگرفته و اینان در برابر کارهای تحقیقی درباره کتب میراث فرهنگی اسلامی در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم شگفت زده شده‌اند، و این دلیل ناتوانی و رکود و پراکندگی و بریدگی بوده که ما در جهان گذشته دچار آن بوده‌ایم.» ۱۲۵

او روشن می‌سازد که مستشرقان نیز در این مساله تلاش کرده‌اند و تا اندازه‌ای هم حق دارند. زیرا امت اسلامی را به ارزش میراث فرهنگی خود و عظمت آن آگاه ساختند و علمای مسلمان را وادار ساختند که این میراث را تحقیق کنند، حال آنکه پیش از آن، جهان اسلام در عقبماندگی و جهل به این مساله بسر می‌برد.

دکتر فریانی در کتاب تحقیق نصوص التراث فی القديم و الحديث می‌نویسد که کار تحقیق میراث اسلامی و نشر و عرضه آن، مدتها پس از توجه خاورشناسان به این امر آغاز شده است. او در سخن از نهضت احیای کتب در هند یادآور می‌شود که تحقیق کتابها از سالیان سال پیش و از سال ۱۷۹۶م آغاز شده که چاپخانه‌هایی در شهرهای کلکته، میامی، و شهرهای دیگر هند تأسیس شده و این نهضت پیشگام این میدان به شمار می‌آید. این نهضت کتابهای ارزشمندی را در میراث اسلامی به چاپ رسانده که بخش مثبت و درخشان این فرهنگ را نشان می‌دهد، مانند لسان المیزان، الکنی و الاسماء، تهذیب التهذیب، تفسیر الکشاف، السنن الکبری، التاريخ الکبیر نوشته بخاری، التاريخ الصغیر نوشته بخاری، تفسیر الجلالین، الاتقان نوشته سیوطی،

ذهبی، عجائب المخلوقات قزوینی.

فهرستنگاری مخطوطات و تنظیم آنها

یکی از مهمترین کارهایی که خاورشناسان در خدمت به میراث اسلامی انجام داده‌اند و به شمارش نسخ خطی موجود در کتابخانه‌های اروپا و بخشی از جهان اسلام پرداخته‌اند فهرستنگاری آنها، با توصیف کامل نسخ خطی، ذکر نام، نام نویسنده، تعداد صفحات، و موضوعات کتاب همراه است. اینک چند نمونه از این فهرستها:

فهرست مخطوطات عربی در دانشگاه ادینبورگ، به قلم خاورشناس بهرحنت روبرت. ۱۲۵

فهرست نسخ خطی عربی در کتابخانه اسکوریال، خاورشناس هارتفیلد. ۱۲۶

فهرست نسخ خطی عربی در کتابخانه برلین، خاورشناس کریستن. ۱۲۷

کتاب تاریخ الادب العربی، نوشته کارل بروکلیمان.

کتاب تاریخ الادب العربی، نوشته خاورشناس آلمانی کارل بروکلیمان، دائرة المعارفی است که ادبیات به معنی عام آن را شامل می‌شود و تمام مسائل فکری و ادبی را در برمی‌گیرد زیرا نویسنده، شخصیت‌های مشهوری را در هر یک از این موضوعات مطرح می‌سازد و با بیان شرح حال و زندگی آنان، درباره آثار چاپی و خطی آنان و محلی که این نسخ خطی در آنها وجود دارد، و شماره آن نسخ در کتابخانه‌های جهان، همه مسائل و حوادث عصر جاهلیت را تا زمان سقوط بغداد سال ۶۵۶ گردآوری می‌کند. ۱۲۸

سپس نوبت به کتاب تاریخ التراث العربی، نوشته فؤاد سزگین می‌رسد که به عنوان مستدرکی برای کتاب بروکلیمان، با شمردن آثار و تالیفاتی که بروکلیمان از قلم انداخته، در ضمن هفت مجلد نویسندگان و تالیفات مختلف را تا سال ۴۳۰ برشمرده است.

پیش از این دو کتاب نیز کارهای مشابهی انجام شده است. ۱۲۹

اثر خاورشناس یوسف قون هامر برگشتال ۱۳۰. اثر خاورشناس آریشنو ۱۳۰. نوشته خاورشناس کریمر ۱۳۰. نوشته خاورشناس دوخویه ۱۳۱. نوشته خاورشناس نیکلسون ۱۳۱. نوشته خاورشناس کریمسکی. ۱۳۱. نوشته خاورشناس

تمام، المصون ابی احمد عسکری، مجالس العلماء زجاجی، امالی زجاجی، نوادر المخطوطات (۸ جلد)، جمهرة انساب العرب، ابن خرم، الاشتقاق، ابن درید، شرح القصائد السبع الطوال، ابن الانباری، المفضلیات الخمس، المفضلیات، با کمک احمد شاکر، الاصمعیات، با کمک احمد شاکر، اصلاح المنطق، با کمک احمد شاکر.

بنابراین، باید این سؤال مطرح شود: چرا محققان خاورشناس (که فریفته کارهای خاورشناسان هستند) این گونه اقدامات را که در مشرق زمین برای احیای میراث فرهنگی اسلامی انجام گرفته، یاد نمی‌کنند، و به ویژه در مقام تجلیل و ستایش و تقدیس خاورشناسان، از این گروه نیز ذکری به میان نمی‌آورند.

آیا برای بی طرفی بهتر نیست که این فعالیتها و اقدامات نیز در کنار کار خاورشناسان مطرح شود؟! ... و آیا این ظلم نیست که زحمات اینان را نادیده بگیریم؟ و بر تلاشهای علمای مسلمان در این زمینه سرپوش بگذاریم و تنها کار خاورشناسان را برشمریم و از فضایل و مناقب آنها سخن بگوییم؟! ...

جنبه های مثبت کار خاورشناسان در زمینه میراث اسلامی

انصاف علمی ما را وامی‌دارد که به جنبه های مثبت کار آنان نیز نظری بیفکنیم، و چه در زمینه تحقیق کتابهای میراث اسلامی و چه در زمینه فهرستنگاری نسخ خطی، که در کتابخانه های جهان اسلام و جهان غرب وجود دارد و تنظیم و توصیف آنها و چاپ کتابهایی در این زمینه، از آنها یاد کنیم که فهرستنگاری کاری مهمتر است و بهره علمی آن برای محققین در این زمینه بیشتر روشن می‌شود.

مهمترین انواع تحقیقات مستشرقان ۱۲۴

السیرة النبویه ابن هشام، فتوح البلدان بلاذری، الطبقات الکبری ابن سعد، معجم الادیاء یاقوت حموی، نفع الزهور ابن ایاس، الکامل مبرّد، الطبقات الکبری واقدی، المحاسن و المساوی بیهقی، طب العیون ابن سینا، نقائص جریر و الفرزدق، تاریخ الطبری، و فیات الاعیان ابن خلکان، الفهرست ابن ندیم، شرح المفصل ابن عیث، معانی القرآن قرآء، الاوائل عسکری، تاریخ الحکماء قفطی، تاریخ الهند بیرونی، طبقات الحفاظ

ریچر ۱۳۱. نوشته خاورشناس گیب ۱۳۱. نوشته خاورشناس متر ۱۳۱. نوشته خاورشناس توماس آرنولد ۱۳۱.

اینجا نکته ای مهم وجود دارد و آن اینکه: اینگونه کارهای خاورشناسان، اغلب به زبانهای محلی خود آنها صورت گرفته، و به ویژه تحقیقات و پاورقیهایی که بر مخطوطات نگاشته اند و مطالعات و فهرستگاریهای آنان، چنین حکمی دارد.

در پایان این گشت و گذار ساده برای شناخت میراث اسلامی و آمار کتابهای آن در کتابخانه های جهان، چگونگی انتقال آن به اروپا و غرب و شناخت علل مهم توجه خاورشناسان به آن، و بررسی دستاورد مکاتب خاورشناسی در زمینه تحقیق این آثار و نظر محققان شرقی درباره آن، می توان چنین نتیجه گیری کرد:

خاورشناسان، در هشیار ساختن مسلمین به لزوم توجه به میراث اسلامی حق تقدم را دارند. البته نه چنانکه برخی گفته اند امتیاز بیشتر در کار تحقیق و نشر میراث اسلامی از آن مستشرقین است و مسلمانان کار شایان ذکری در این زمینه نکرده اند، بلکه میراث اسلامی پیش از همه مورد توجه خود مسلمانان بوده و آنان دیر زمانی است که به آن توجه دارند. و اینک در عصر ما می توان این توجه را به خوبی در سراسر جهان اسلام مشاهده کرد که روز بروز گرایش به حفظ و نشر و تحقیق و مطالعه آنها بیشتر می شود و کاروان علم و دانش همچنان به پیش می رود. در پایان خدای را حمد و سپاس می گویم و بر پیامبرمان محمد-ص- و خاندان و یارانش درود می فرستم که آخرین سخن آنان سپاس خدای جهانیان است.

پی نوشتها:

۱. فلسفه الاستشراق، ۱۶۹.

۲. نگاه کنیده: مجله الفکر العربی، شماره ۳۱، ص ۳۰۸.

۳. همان، شماره ۳۰، ص ۳۰۸ به بعد.

۴. همان، شماره ۳۱، ص ۳۰۸ به بعد.

۵. همان، شماره ۳۱، ص ۳۰۸.

۶. المستشرقون و التراث، ص ۲۴.

۷. موسوعة المتشرقین، ص ۳۴۶.

۸. الدراسات العربیة، ص ۲۱۲.

۹. موسوعة المتشرقین، ص ۱۹.

۱۰. همان، ص ۱۹.

۱۱. همان، ص ۴۱۴.
۱۲. همان، ص ۱۲۴.
۱۳. همان، ص ۳۲۷.
۱۴. مقالة المستشرقون و التراث، ص ۲۵.
۱۵. همان، ص ۲۵.
۱۶. مقالة المستشرقون و التراث، ص ۲۵.
۱۷. همان، ص ۲۳.
۱۸. همان، ص ۲۴.
۱۹. موسوعة المتشرقین، ص ۶.
۲۰. همان، ۱۹۴.
۲۱. همان، ص ۳۳۶.
۲۲. همان، ص ۴۱۷.
۲۳. الدراسات العربیة، ص ۴۳.
۲۴. همان، ص ۱۵۶.
۲۵. مقالة عظمة الاستشراق، ۱۰.
۲۶. مقالة عظمة الاستشراق، ص ۱۰.
۲۷. مقالة المستشرقون و التراث، ص ۲۵.
۲۸. همان، ص ۲۶.
۲۹. همان، ص ۹.
۳۰. الدراسات العربیة، ص ۲۰۵.
۳۱. همان، ص ۳۲.
۳۲. همان، ص ۱۴۹.
۳۳. المستشرقون و التراث، ص ۱۹.
۳۴. همان، ص ۲۲.
۳۵. همان، ص ۲۴.
۳۶. همان، ص ۲۶.
۳۷. همان، ص ۲۲.
۳۸. همان، ص ۲۴.
۳۹. مقالة «من عظمة الاستشراق»، ص ۱۰.
۴۰. الدراسات العربیة، ص ۷۲.
۴۱. همان، ص ۱۳۱.
۴۲. همان، ص ۱۳۸.
۴۳. همان، ص ۱۴۳.
۴۴. همان، ص ۱۷۱.
۴۵. همان، ص ۱۹۱.
۴۶. همان، ص ۲۱۱.
۴۷. الدراسات العربیة، ص ۲۱۱.
۴۸. مقالة المستشرقون و التراث، ص ۲۵.
۴۹. موسوعة المتشرقین، ص ۱۳۶.
۵۰. همان، ص ۲۴۴.
۵۱. همان، ص ۹۴.

- ۹۳ . همان، ۱۱۷/۲ .
- ۹۴ . همان، ۱۵۷/۲ .
- ۹۵ . همان، ۱۵۸/۲ .
- ۹۶ . همان، ۱۵۳/۲ .
- ۹۷ . همان، ۱۷۹/۲ .
- ۹۸ . همان، ۱۹۲/۲ .
- ۹۹ . همان، ۱۷۲/۲ .
- ۱۰۰ . همان، ۲۱۲/۲ .
- ۱۰۱ . همان، ۲۱۲/۲ .
- ۱۰۲ . تاریخ التراث العربی، ۲۱۷/۲ .
- ۱۰۳ . همان، ۲۱۸/۲ .
- ۱۰۴ . همان، ۲۲۲/۲ .
- ۱۰۵ . المستشرقون والتاریخ الاسلامی ۱۵۵ .
- ۱۰۶ . فلسفة الاستشراق، ص ۱۶۷ .
- ۱۰۷ . الدراسات العربية، ص ۱۶ .
- ۱۰۸ . همان، ص ۲۷۲ .
- ۱۰۹ . فلسفة الاستشراق، ۵۵۹ .
- ۱۱۰ . فلسفه الاستشراق، ص ۱۶۰ .
- ۱۱۱ . تحقیق النصوص ونشرها، ص ۶ .
- ۱۱۲ . همان، ص ۸ .
- ۱۱۳ . همان، ص ۷۷ .
- ۱۱۴ . همان، ص ۸۶ .
- ۱۱۵ . تحقیق نصوص التراث فی القديم والحديث، ص ۵۹ .
- ۱۱۶ . همان، ص ۵۹ .
- ۱۱۷ . همان، ص ۶۰ .
- ۱۱۸ . مقالة المستشرقون والتراث، ص ۴۳ .
- ۱۱۹ . همان، ص ۴۴ .
- ۱۲۰ . تحقیق نصوص التراث، ص ۵۹ .
- ۱۲۱ . همان، ص ۶۰ به بعد .
- ۱۲۲ . همان، ص ۶۲ .
- ۱۲۳ . همان، ص ۱۲۵ به بعد .
- ۱۲۴ . همان، ص ۲۳، و مقالة: من عظمة الاستشراق، ص ۸ .
- ۱۲۵ . الدراسات العربية، ص ۵۵ .
- ۱۲۶ . همان، ص ۱۷۵ .
- ۱۲۷ . مقالة من عظمة الاستشراق، ص ۱۰ .
- ۱۲۸ . مع المكتبة العربية، ص ۲۸ به بعد .
- ۱۲۹ . همان، ص ۳۷ به بعد .
- ۱۳۰ . تاریخ التراث العربی (۱، ل) .
- ۱۳۱ . همان، (۱/م) .
- ۵۲ . همان، ص ۹۴ .
- ۵۳ . همان، ص ۱۲۷ .
- ۵۴ .
- ۵۵ . همان، ۱۹۶/۱ .
- ۵۶ . همان، ۱۹۹/۱ .
- ۵۷ . همان، ۲۰۳/۱ .
- ۵۸ . تاریخ التراث العربی، ۲۰۷/۱ .
- ۵۹ . همان، ۲۰۹/۱ .
- ۶۰ . همان، ۲۱۱/۱ .
- ۶۱ . همان، ۲۱۴/۱ .
- ۶۲ . همان، ۱۶۸/۱ .
- ۶۳ . همان، ۴۸۲/۱ .
- ۶۴ . همان، ۹۷/۱ .
- ۶۵ . همان، ۱۶۸/۱ .
- ۶۶ . همان، ۱۶۵/۱ .
- ۶۷ . همان، ۱۷۰/۱ .
- ۶۸ . همان، ۲۵۶/۱ .
- ۶۹ . همان، ۳۰۳/۱ .
- ۷۰ . همان، ۳۱۲/۱ .
- ۷۱ . همان، ۳۱۳/۱ .
- ۷۲ . همان، ۳۵۰/۱ .
- ۷۳ . همان، ۳۰۸/۱ .
- ۷۴ . همان، ۳۹۹/۱ .
- ۷۵ . همان، ۴۳۰/۱ .
- ۷۶ . همان، ۴۴۰/۱ .
- ۷۷ . همان، ۴۴۷/۱ .
- ۷۸ . همان، ۴۸۱/۱ .
- ۷۹ . همان، ۴۸۲/۱ .
- ۸۰ . همان، ۴۸۷/۱ .
- ۸۱ . همان، ۴۹۲/۱ .
- ۸۲ . همان، ۴۹۷/۱ .
- ۸۳ . همان، ۵۰۴/۴ .
- ۸۴ . همان، ۵۲۳/۱ .
- ۸۵ . همان، ۵۳۱/۱ .
- ۸۶ . همان، ۵۴۶/۱ .
- ۸۷ . تاریخ التراث العربی، ۳۹/۲ .
- ۸۸ . همان، ۴۰/۲ .
- ۸۹ . همان، ۴۵/۲ .
- ۹۰ . همان، ۸۱/۲ .
- ۹۱ . همان، ۹۳/۲ .
- ۹۲ . همان، ۱۱۳/۲ .
